

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

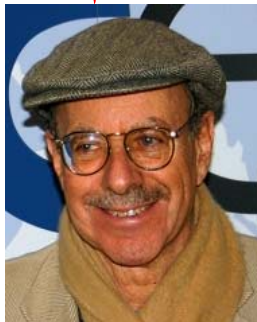
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس
برگردان از: آمادور نویدی
۱۹ اکتوبر ۲۰۱۷

ثف سربالای عمو سام و اتحادیه اروپا



جیمز پتراس

واشنگتن و بروکسل: برگشت به عقب

در حالی که واشنگتن و بروکسل با مشکلات سیاسی، اقتصادی و سقوط خود مواجهند، به تقابل های خارجی فارغ از حس مسئولیت علیه کشورهای رقیب با تحمیل تحریمات اقتصادی، بایکوت و افزایش تهدیدات نظامی پاسخ گفته اند. در حالی که واشنگتن و بروکسل با بلایای سیاسی، اقتصادی و انحطاط خود مواجهند، پاسخ آن ها به تقابل های امور خارجی، تحمیل تحریمات اقتصادی، بایکوت و افزایش تهدیدات نظامی فارغ از حس مسئولیت علیه ملت های رقیب بوده است.

احزاب حاکم و اپوزیسیون اصلی در امریکا و اتحادیه اروپا رسانه های بزرگ را کنترل می کنند و «برنامه های خبری» را به مبارزات تبلیغاتی خود تبدیل نموده اند که با خشونت («تغییر رژیم/رژیم چنج») قدرت را به چنگ می آورند و جنگ های تجاری خود شکن را ترویج کنند.

ستیزه جوئی واشنگتن فقط کوبیدن بر طبل خالی نفت به حساب غول های نفتی امریکا است. خصومت آشکاری که جنگ های تجاری، مقابلات نظامی و آتش درگیری های احتمالی منطقه ای را فراهم می کند... جایی که امریکا و اتحادیه اروپا به احتمال زیاد حتی با شکست های بیش تری روبه رو می گردند.

جنگ اقتصادی جهت نابودی ملت ها و برای ایجاد کشت اختلافات داخلی و خرابکاری، مخصوصاً از طریق خرید نامزدهای سیاسی، سازماندهی ارادل و اوباش خیابانی و استخدام غلامان حلقه به گوش نظامی، طراحی شده است.

واشنگتن، با تقسیمات داخلی کنونی خود مُختل شده است، و به سوی فاجعه ای بزرگ تلوتلو می‌خورد. الیگارش‌ها در بروکسل با گسل‌های داخلی پیچیده و حتی با شورش آشکار، به ویژه از طرف اعضای جدید اتحادیه اروپا روبه‌رو هستند.

همه‌پرسی پیرامون بریگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا)، قیام محبوبی را علیه دهه‌ها نابرابری‌های عمیق طبقاتی و علیه تصرف قدرت مالی نخبگان رسوای بانکدار سفته باز به نمایش گذاشت. مقامات مرکزی و شرقی اتحادیه اروپا الیگارشی بروکسل را به مبارزه فراخوانده‌اند. کارفرماهای قدرت‌مند ملی پولند، مجارستان و اسلواکی، در یک حرکت مشترک جهت تضعیف بروکسل، نتانیاو نخست وزیر جانی اسرائیلی را در آغوش گرفته‌اند.

انحلال انسجام داخلی در واشنگتن و بروکسل منجر به تلاش دیوانه وار بیش‌تری جهت ظاهری دانستن مسائل خود، از طریق جنگ شده است، تا قدرت دولتی – نوع «ساخت سرمایه داری برای چند کشور» را حفظ کنند. به طور خلاصه، ادامه انحلال بلوک امریکا و اتحادیه اروپا منجر به افزایش تکیه بر جنگ اقتصادی، با تحریمات، بایکوت‌ها و دیوارهای تعرفه گمرکی جهت مقابله با رقابت‌های تجاری بین‌المللی و رقابتی منطقه‌ای شده است. واشنگتن و بروکسل چهار کشور مهم را هدف قرار داده‌اند: روسیه، چین، ایران و ونزوئلا. افزایش راه اندازی جنگ اقتصادی شامل دیوسازی هیستریک این کشورها در رسانه‌های جمعی، همراه با استخدام دست‌نشانندگان منطقه‌ای شده است، تا تحریمات اقتصادی را مستحکم کند. کمپین جنگ اقتصادی و ایدئولوژیک طراحی شده‌اند تا تفرقه‌های سیاسی داخلی را در کشور هدف قرار گرفته جهت تهیه مقدمات تصرف خشونت آمیز قدرت سیاسی تحریک نماید.

روسیه: تحریمات اقتصادی و جنگ‌های پیرامونی

واشنگتن و بروکسل یک ستراتیژی دوجانبه را علیه روسیه دنبال کرده‌اند: از یک‌طرف، آن‌ها روسیه را با ناتو و پایگاه‌های امریکائی، کشتی‌های جنگی، تأسیسات راکتی، مراکز سایبری و پایگاه‌های ارتباطی/جاسوسی و تمرینات با پرسنل نظامی از بالتیک تا اوکراین، گرجستان و فراتر از آن محاصره کرده‌اند. از طرف دیگر، آن‌ها قوانین بی‌رحمانه (دراکونین) تحریم‌های تجاری را بر واردات و صادرات نظامی روسیه و فن‌آوری مدنی، انرژی و شرکت‌های معدنی، محصولات ماشین‌آلات، کشاورزی و دیگر کالاها، هم‌چنین تحریم افراد، خانواده‌های آن‌ها و مصادره دارائی‌های روسیه را اعمال کرده‌اند. هدف علناً روشن ستراتیژیک ایجاد آن‌چنان هرج و مرج و محرومیتی‌ست که مردم روسیه ریاست جمهوری پوتین را با خشونت سرنگون سازند و روسیه را به وضعیت سرسپردگی برگردانند. و غرب بتواند غارت منابع و ثروت کشور را با یک سری از الیگاش‌های دست‌نشانده عروسی مطیع خود در کرملین، از سر بگیرد، همان‌گونه که بی‌شمارانه در طول سال‌های ۱۹۹۰ انجام داد.

به هر حال، به استثنای کودتای سازمان‌دهی شده امریکا و اتحادیه اروپا در اوکراین، تحریمات و تهدیدات نظامی تا به امروز، مانند بومرنگ به سوی غرب برگشته است. تحریمات اقتصادی دولت روسیه و مردم را متقاعد ساخته است که منابع خود را مجدداً صنعتی کنند و اقتصاد را دوباره متنوع سازند، تولید داخلی را جایگزین سازند و خودکفائی کشاورزی را افزایش دهند: به عبارت دیگر، بازار داخلی را گسترش داده و باثبات گردانند.

به‌علاوه، روسیه ارتباطات ستراتیژیک و تجاری خود را با چین و ایران افزایش می‌دهد، در حالی‌که علیه اتحادیه اروپا با قطع واردات کشاورزی از پولند و گرجستان اقدامات تلافی جویانه اعمال می‌کند، و بدین‌ترتیب بخش‌هایی از صادرکنندگان کشاورزی را تنبیه می‌کند. تلاش‌های امریکا و ناتو جهت محاصره روسیه بومرنگ شده است: مسکو از

طریق یک همه‌پرسی مردمی و به خوبی سازماندهی شده، کریمه (با پایگاه‌های دریائی ستراتیژیک بحیره سیاه آن) و اکثریت روس تبار را دوباره در روسیه ترکیب کرد و پایگاه‌های نظامی و همکاری ستراتیژیک خود را با دولت سوریه گسترش داد، که منجر به پیروزی دمشق بر مزدوران وهابی تروریست شد. شرکت‌های انرژی متعلق به اتحادیه اروپا، به ویژه در آلمان و ایتالیا، جایی که میلیون‌ها نفر متکی به نفت و گاز ارزان روسیه هستند، بارها تحریمات تحمیل شده توسط آمریکا را نقض کرده اند.

رُباش قدرت وحشیانه در اوکراین یک رژیم الیگارش ضعیف و فاسد را به قدرت رساند، که با کمک‌های مالی غرب پابرجاست. رژیم کودتا در کثیف بر یک کشور بشدت از هم گسیخته – چهره جدید «دمکراسی غربی» نظارت دارد. متوسل شدن به اقدامات تبلیغی عجیب و غریب، ولادیمیر پوتین را متهم کردن به «تقلب» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، سیاست داخلی آمریکا را فلج کرده است، و واشنگتن را به یک تیمارستان روانی با ابعاد قاره ئی تبدیل کرده است. به بحران‌های داخلی عمده، مانند اپیدمی اعتیاد به مواد مخدر، که بیش از ۵۰۰ هزار نفر آمریکائی را از سال ۱۹۸۹ کشته است، پرداخته نمی‌شود، در حالی‌که سیاستمداران و رسانه ها در یک نمایش روس‌هراسی هم‌آهنگ شده کف بر دهان یاوه سرائی می‌کنند.

تحریمات آمریکا و اتحادیه اروپا و چین: گاز گرفتن دستی که غذا می‌دهد

واشنگتن و اتحادیه اروپا بارها تهدید کرده اند که تحریماتی را علیه صادرات تولیدی چین تحمیل نمایند و علیه سیاست کنترل مالی دولتی بیجینگ بشدت تلافی کنند.

تحت اوباما و ترمپ، واشنگتن سیستم‌های رادار ضد راکتی را در کوریای جنوبی نصب کرد، که به وضوح علیه چین هدف گیری شده است. پنتاگون ناوگان نیروی بحری را جهت اذیت و آزار کشتی‌های باری چین در جنوب آبهای بحیره چین می‌فرستد. آن‌ها میلیارد‌ها دلار ارزش تجهیزات نظامی به دولت‌های تایوان می‌فروشد، درحالی‌که از جدائی‌طلبان در هنگ کنگ و تبت، همچنین از خشونت جهادی‌ها در غرب چین حمایت می‌کنند. هواپیماهای جنگی آمریکائی بر فراز پایگاه‌های هوائی نظامی چین و تأسیسات بندری در جزایر مورد ادعای چین در بحیره جنوبی چین پرواز می‌کنند و مانور می‌دهند. در حال حاضر، واشنگتن تهدید به حمله به کوریای شمالی، یکی از شرکای تجاری چین کرده است.

علی‌رغم تحریمات اقتصادی و شمشیر را از رو بستن، چین با گام‌های عظیمی همچنان پیشرفت‌های چشمگیری دارد: از طریق قراردادهای تجاری جهانی خود با شصت کشور ارتباطات اقتصادی خود را گسترش می‌دهد. چین با موفقیت پروژه چندصد میلیارد دلاری «کمربند اقتصادی جاده ابریشم و مسیر بحری ابریشم» را راه اندازی نموده است که چین را از طریق خطوط راه آهن، جاده ها، بنادر و دیگر زیرساخت‌های حیاتی با بازارهای خود در جنوب شرقی آسیا و آسیای مرکزی به مناطق خاورمیانه، روسیه، اروپا و فراتر از آن متصل می‌کند. این پروژه عظیم در حال حاضر کل مناطق را متحول ساخته و میلیون ها شغل و هزاران بازار ایجاد نموده است.

علی رغم تهدیدات اوباما و ترمپ، صد شرکت چندملیتی آمریکائی و اتحادیه اروپائی، به ویژه تولیدکنندگان خودرو، مشتاق افزایش سرمایه گذاری و امضای معاملات مشترک جدید سودآور خود در چین هستند.

چندملیتی‌های چینی همچنان سرمایه گذاری می‌کنند و کارخانه ها را در کشورهای آمریکا، اتحادیه اروپا، آمریکای جنوبی و اقیانوسیه (استرالیا و زلاند نو) می‌خرند. واردات پیشرفته ترین فن آوری توسط چین باعث تقویت ارتباطات چین با سیلیکون والی و آلمان شده است.

در مقابل، کسری تجاری امریکا با چین بیش‌تر ناشی از فساد بازارهای مالی اقتصاد امریکاست، تا هرگونه عدم تقارن در بده و بستان با چین.

چین که با محاصره نظامی امریکا مواجه شده است، هزینه های نظامی خود را در سال های اخیر دوبرابر کرده است، اولین پایگاه بحری خود را در افریقا ساخته است، درحالی که همکاری نظامی - از جمله تمرینات مشترک گسترده خود را با روسیه تقویت می کند.

در یک کلام، نتایج نامطلوب عشق و علاقه مندی غیرعقلانی تحریمات عمدتاً به سرمایه گذاران و شرکت های صادراتی و وارداتی امریکا و اتحادیه اروپا ضرر رسانیده است، درحالی که سرمایه داران امریکا و اتحادیه اروپا را از شرکت در پروژه های زیرساختی جهانی عظیم چین و بازارهای منطقه ئی در حال ظهور به حاشیه رانده شده اند.

درحالی که دولت تازه منتخب کوریای جنوبی جهت کاهش تنش ها با شمال (کوریای شمالی - جمهوری دموکراتیک خلق کوریا - م)، اقدامات آزمایشی را انجام داده و تلاش می کند که برنامه راکتی تاد امریکائی را که به طور یک جانبه نصب شده تا چین را هدف قرار دهد، خنثی سازد و، در حالی که کوریای جنوبی در معرض بحران بزرگ قانون اساسی، و ترمیم موانع اقتصادی خود با چین ست، اما امریکا (با ساحل کالیفرنیا بیش ۵۸۰۰ مایل به شرق) در حال تحریک جنگ در شبه جزیره کوریا است.

چین که رشد تخمینی سالانه ۷/۶٪ (در مقایسه با ۲٪ در امریکا) برای سال ۲۰۱۷ دارد، کاملاً روشن است که سیاست تحریماتی و محاصره نظامی شکست خورده است.

تحریمات امریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران

امریکا علی رغم عدم وجود هیچ مدرکی مبنی بر عدم همکاری ایران با ملل متحد، آشکارا از طریق تحمیل تحریمات اقتصادی جدید، توافق هسته ئی خود را با ایران نقض می کند. امریکا منافع نفتی و بانکی امریکائی و اتحادیه اروپا و چین را تهدید کرده است، و برای اعمال سیاست هائی فشار می آورد که توسط حامیان نظامی اول اسرائیل ترویج می شود که سیاست خاورمیانه ئی واشنگتن را دیکته می کنند. امریکا به اسرائیل و عربستان سعودی پیوسته است که به ایران و متحدان او در سوریه، لبنان و فلسطین برچسب «تروریست» می زنند.

سیاست تحریم کارائی نداشته است: ایران همچنان به امضای قراردادهای اکتشاف و صادرات نفت با شرکت های نفتی چین، اتحادیه اروپا و روسیه ادامه می دهد. ایران روابط تجاری خود را با چین افزایش داده است و نقش مهمی در اوپک بازی می کند.

تهدیدات تهاجمی اسرائیل و صهیونیست های امریکائی، ایران را مجبور ساخت که بُرد راکت های دور بُرد و میان بُرد (غیرهسته ئی) برنامه راکتی خود را توسعه دهد، در حالی که اتحاد/ائتلاف نظامی خود را با روسیه و سوریه تقویت نماید.

کمک های انسان دویستانه ایران به یمن، کار برای کمک به میلیون ها یمنی که با گرسنگی جمعی و شیوع عمدی بیماری مهیب وبا توسط عربستان با شراکت امریکا و اسرائیل روبه رو هستند، تحسین جهانی را برای ایران به ارمغان آورده و ماهیت وحشیانه پادشاهی سعودی را در سراسر جهان اسلام (مسلمان) افشاء کرده است.

نقض توافقات هسته ئی توسط امریکا باعث تقویت ملی گرایان و تضعیف حامیان غربی، نئولیبرال کنونی ایران شده است. تحت تهدید روزانه حمله امریکا، اسرائیل و عربستان سعودی امکان ندارد هیچ «انقلاب رنگی» بتواند یک عروسک دست نشانده پارسی را در مسند قدرت نصب کند.

به طور خلاصه، ایران با تشکیل اتحاد های/ائتلافات جدید بر تحریمات امریکا پیروز گشته، حال آنکه نفوذ منطقه ئی و داخلی امریکا را کاهش داده است. حمایت ایران از سوریه باعث تضعیف مزدوران تروریست و هابی مورد حمایت سعودی - امریکا و اسرائیل و تقویت جنبش سکولار و غیرفرقه ئی ناسیونالیسم عربی گشته است. سیاست های افراطی ضدایرانی واشنگتن نتیجه معکوس داده است. ایران روابط اقتصادی خود را متنوع ساخته و دفاع نظامی خود را تقویت نموده است. در عین حال، امریکا تحت دیکته های دولت یهودی و نمایندگان نالایق هیستریک خود در واشنگتن منزوی باقی مانده است.

امریکا و تحریمات علیه سوریه

در حالی که تحریمات امریکا و اتحادیه اروپا و مداخلات نظامی - پروکسی (نیابتی)، سوریه را با قتل صدها هزار سوری و کوچ میلیون ها پناهنده نابوده کرده است، اما به وضوح در رسیدن به هدف ستراتیژیک خود- «تغییر رژیم» (رژیم چنج) و تحمیل یک دولت دست نشانده در دمشق شکست خورده است.

درواقع، میلیون ها نفر سوری بی خانمان، و ناامید به اتحادیه اروپا فرار کرده اند، که یک مشکل عظیم پناهندگی و امنیتی به وجود آورده اند.

تروریست ها، از جمله هزاران شهروند اتحادیه اروپا و امریکائی، توسط نیروهای امنیتی اتحادیه اروپا و امریکا جهت سرنگون ساختن دولت سوریه استخدام و آموزش داده شدند. آن ها از سوریه رانده شده اند و حال مهارت های مرگبار خودشان را به طور فزاینده ای علیه اهدافی در اروپای غربی به کار می برند.

روابط دفاعی سوریه با روسیه حضور بلند مدت روسیه را در خاورمیانه تقویت کرده، و روابط ستراتیژیک با ایران و حزب قدرت مند حزب الله (شریک ائتلافی حکومت لبنان) را مستحکم نموده است.

شکست مفتضحانه و عقب نشینی تروریست های و هابی با حمایت مالی امریکا، رئیس جمهور ترمپ را متقاعد ساخت که حمایت نظامی، مالی و آموزشی را برای چنین «هدف شکست خورده ای» قطع کند و به دنبال یک توافق آتش بس مشترک قابل دوام باشد که توسط امریکا و روسیه در جنوب سوریه حمایت شده است. تحریمات امریکا بارسنگین جنایت کارانه ای بر روی دوش مردم و جامعه سوریه تحمیل کرد، اما دولت در دمشق دست نخورده باقی ماند. پس از هزینه کردن میلیارد ها دالر جهت مسلح نمودن و آموزش مزدوران القاعده ئی و داعشی، مداخله نظامی پروکسی منجر به هدف اعلام شده تغییر رژیم نشده است. بلکه ائتلاف سوریه با روسیه، ایران و لبنان را تمدید و گسترش داده است، عدم لیاقت سیاست وحشیانه خاورمیانه ئی امریکا - اتحادیه اروپا- سعودی و اسرائیل را افشاء کرده است.

مداخله اتحادیه اروپا و امریکا، سوریه را نابود کرد، اما جهت فرمانروائی بر ملت هدف قرار گرفته شکست خورد. به طور متناقضی، با حمایت از میلشای جدائی طلب کرد تنش با دولت و ارتش ترکیه را در مرز های خود مشتعل ساخت. جنبش های راست گرا و ضد مهاجر را در اتحادیه اروپا و امریکا افزایش داد، و موجب تهدید حاکمیت ائتلافات «دوستانه» خود شد.

در پایان، مداخله نظامی و تحریمات اقتصادی بدون تأمین هیچ کدام از اهداف ستراتیژیک ذکر شده در خاورمیانه، موجب تحریک تنش های هسته ئی جهانی شد.

تحریمات و مداخله علیه ونزولا

در طول پانزده سال گذشته، امریکا، با حمایت اتحادیه اروپا، کمپین نظامی و اقتصادی مرئی و نامرئی را جهت سرنگونی دولت چاوزیستی به راه انداخته است. قبل از سقوط جهانی قیمت نفت، این با موفقیت کمی همراه بود. اکنون، با سقوط متحدان منطقه‌ئی، ظهور رژیم‌های راست‌گرا و آسیب‌پذیری اقتصادی اقتصاد تک محصولی ونزوئلا، دولت در کاراکاس تهدید می‌شود.

در سال ۲۰۰۲، واشنگتن و اتحادیه اروپا از یک کودتای نظامی شکست خورده حمایت کردند. این با تحریم شکست خورده نفت در سال ۲۰۰۳ ادامه پیدا کرد. واشنگتن سپس از تحریم انتخاباتی سال ۲۰۰۵ حمایت نمود و تا سال ۲۰۱۵ از یک سری از نامزدهای انتخاباتی ناموفق ریاست جمهوری و اپوزیسیون احزاب کنگره‌ئی پشتیبانی نمود.

در همین حال، امریکا از حملات مرزی گروه‌های شبه نظامی گانگستر کلمبیائی علیه شهرها و شهرک‌های تحت پروژه اصلاحات ارضی ونزوئلا حمایت نمود. سازمان‌های غیردولتی «دمکراسی» خرابکاری تروریستی خود را در میدان‌های نفتی، نیروگاه‌ها و سیستم حمل و نقل عمومی، همچنین کلینیک‌ها و پاسگاه‌های پولیس ترویج نمودند.

بارها، نیروهای چاوزیستی با موفقیت خرابکاری و رفراندوم‌های تروریستی مورد حمایت امریکا را شکست دادند. با این حال، سقوط قیمت نفت در طول سه سال گذشته همبستگی نیروهای اجتماعی و اقتصادی را تغییر داده است. کاهش درآمد از صادرات نفت، باعث قطع واردات مواد غذایی حیاتی، دارو و کالاهای تولیدی ونزوئلا شده است.

امریکا، از طریق ارائه کمک‌های مالی و آموزش به ظاهراً سازمان‌های غیردولتی (ان جی اوها) و به احزاب اپوزیسیون و گانگسترهای خشونت‌گرای «حامی دمکراسی»، عملیات ویژه خود را افزایش داده است.

بخش‌های خصوصی خرده فروش، بانکی و حمل و نقل، با ایجاد کمبودهای مصنوعی (احتکار)، فعالیت بازار سیاه، سفته بازی و انتقال گسترده ارزش خارجی به خارج، تولید و مصرف کشور را فلج ساخته اند.

خلاف کشورهای دیگری که هدف تحریمات و خرابکاری امریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته، اما موفق بوده اند، ونزوئلا قادر نشده است که جایگزینی برای تولید و متنوع کردن اقتصاد خود پیدا کند. نه گروه‌های ان جی اوی متخاصم را سرکوب کرد، و نه به طور مؤثر با اعتصابات خشونت آمیز خیابانی برخورد نمود و نه تروریست‌هایی را سرکوب کرد که به پولیس و مقامات نظامی و کارگران دولتی و حامیان عادی دولت چاوزیستی حمله کرده و آنها را بقتل رسانده است.

درحالی‌که بحران عمیق‌تر می‌شود، رسانه‌های جمعی امریکا و اتحادیه اروپا خواهان کودتای نظامی یا «تغییر رژیم» گشته اند که با «تلاش‌های (این‌چنین) بین المللی قوی»، حمایت شود، یعنی با کُد زبانی رقیق حمله به ونزوئلا در ائتلاف با رژیم‌های راست‌گرای کلمبیا، برزیل و ارجنتاین و به رهبری امریکا.

اراندل و اوباش خیابانی مورد حمایت مالی امریکا مالکان شرکت اتوبوس‌رانی، تجار کوچک، و افراد حرفه‌ئی را تهدید کرده اند - و به ویژه کارکنان دولتی را هدف قرار داده اند که در همسایگی با اپوزیسیون قوی زندگی می‌کنند، و آنها را مجبور به بستن کسب و کار یا فرار کرده اند.

تحریمات اقتصادی با تهدیدات آشکار دولت امریکا جهت تسخیر پالایشگاه‌های ونزوئلا که در (سیتگو امریکا) واقع شده و فلج ساختن سرمایه‌های خارجی آن گسترش یافته است. عاملان سیا و پنتاگون تلاش کرده اند تا در ارتش نفوذ کنند و ارتشی‌ها را از طریق رشوه و با تهدید صدمه زدن به خانواده هایشان علیه دولت قانونی «بشورانند».

در اواخر جولای سال ۲۰۱۷ چشم انداز جنگ داخلی به اوج خود رسید، به طوری‌که دولت با فراخوان و پیروزی در انتخابات آزاد جهت انتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان، بر مبنای منافع طبقاتی و اجتماعی، با کنگره تحت کنترل بیزنس (کسب و کار) و امریکا، که از ابتداء با ریاست جمهوری در جنگ بوده است، مبارزه کرد. امریکا و هم‌دستان داخلی و

خارجی او با مصادره دارائی های خارجی تهدید به یک محاصره کامل کرده اند که منجر به یک جنگ داخلی و حمله احتمالی می شود.

هر جنگ حمایت شده توسط امریکا در ونزوئلا، عقب مانده ترین الیگارشی های نژادپرست را بر سر قدرت می آورد و منجر به کشتار جمعی طبقات فقیر و متوسط، قتل رهبران آنها، معلمان، روشن فکران، هنرمندان و فعالان، تخریب اقتصاد و گرسنگی و بیماری گسترده کسانی می شود که از برنامه های اجتماعی چاوزیستی سود برده اند، به عبارت دیگر، کابوس «راه حل لیبیا در کارائیب». امریکا ممکن است سوسیال دموکراسی را به عقب برگرداند، اما انقلابیون ونزوئلا برای زندگی واقعی خودشان خواهند جنگید.

نتیجه گیری

امریکا و اتحادیه اروپا حملات اقتصادی و نظامی مهمی را علیه روسیه، چین، ایران و ونزوئلا به راه انداخته اند. به استثنای ونزوئلا، تهاجم امپریالیستی شکست خورده و بر آن غلبه شده است، و سه کشور دیگر موفقیت های ستراتیژیک قابل توجهی را به ثبت رسانده اند.

تحریمات بر خود معماران امپریالیستی بومرنگ شده و منجر به مشارکت و ائتلافات جدید، تنوع این اقتصادهای پویا و سیستم های دفاعی قوی تر شده است.

امریکا بسیار فراتر از ظرفیت نسل های آینده خود مالیات و هزینه کرده است، اما باز هم در میدان های اصلی جنگ در آسیا و خاورمیانه ضرر کرده است. برنامه عظیم زیرساختی اروپایی و آسیایی چین در تضاد کامل با نمایش کشتی های جنگی تنهای امریکا در اطراف پاره سنگ های بحیره جنوبی چین و جت های جنگنده پارک شده در فرودگاه های منزوی شمال استرالیا است. ما دلمان به حال استرالیای اسکیزوفرنی (روانی) بی چاره می سوزد، که چین شریک اصلی تجاری اوست، ولی به نظامی گران و اشنگتن تعظیم می کند و امیدوارست که بیجینگ خم به ابرو نیاورد.

کنگره امریکا تحریمات اقتصادی بیش تری علیه روسیه تحمیل نمود تا جنگ دیگری را بین امریکا و اتحادیه اروپا (آلمان) تحریک کند، اما بهبود اقتصادی پوتین به پیش می رود و بازار گسترده روسیه کارخانه داران برلین را جلب نموده است.

تحریمات کنگره دیکته شده توسط صهیونیست ها علیه ایران ممکن است اشتباه اسرائیل را برای جنگ دیگر امریکا در خاورمیانه (که باید با خون و ثروت بیش تر امریکائی جنگیده شود) راضی کند، اما فرماندهی نظامی امریکا و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان امریکائی بشدت مخالف باتلاق دیگری هستند.

این باید برای هر ناظر منطقی مثل روز روشن باشد که تحریمات علیه قدرت های جهانی قدرت مند با اقتصاد متنوع، رهبران قوی، بازارهای جهانی، منابع و کارگران ماهر کارائی ندارد. تهدیدات نظامی تهاجمی با توسعه قدرت دفاعی، از جمله سلاح های هسته ای و راکت های قاره پیما متوقف و خنثی می شوند. با این حال، نخبگان سیاست گذاری امریکا به ویژه در حزب دموکرات، هرچیزی هستند به جز آن که منطقی باشند.

ایران متحدان منطقه ای نیرومندی دارد و نیروهای مسلح جنگ دیده آن دارای راکت های میان بردی است که دارای استعداد قابل توجه ضربه زدن به متحدان منطقه ای امریکا، به ویژه اسرائیل و عربستان سعودی و پایگاه های امریکائی در خلیج فارس است.

هیچ کدام از این سه قدرت منطقه ای یا جهانی نسبت به درون واژگونی از طریق «انقلابات رنگی»، خرابکاری سازمان های غیردولتی دولتی، تبلیغات رسانه های جمعی یا خشونت ارادل و اوباش خیابانی آسیب پذیر نیستند.

تنها ونزوئلا آسیب پذیرست به این دلیل که دولت چاوزیستی از فرصت استفاده نکرد که اقتصاد وابسته به نفت خود را زمانی که قیمت نفت در اوج تاریخی بود، متنوع سازد. به علاوه، فعالیت سازمان های غیردولتی حمایت مالی شده از طرف امریکا را که با احزاب و گانگسترهای «سیاسی» تحریک کننده کودتای خشونت آمیز کار می کردند تحمل کرد. ذخایر و دارائی های خود را در امریکا نگه داشته است و نتوانست ریاست فرماندهی سیستم بانک ملی خود را کنترل کند. علی رغم حمایت گسترده مردمی، دولت چاوزیستی به ورود اپورتونیست های فاسد اجازه ورود به دولت را داد و شاهد صعود یک طبقه جدید سرمایه داری محترک و سوداگر شد که سودهای حاصل از نفت را به حساب های خصوصی خارج از کشور انتقال دادند.

به طور خلاصه، تحریمات و تهدیدات نظامی امریکا را می توان شکست داد و به پیروزی تبدیل کرد. زمانی که آسیب پذیری شناخته شد، می توان آنرا به قدرت تبدیل نمود، در صورتی که رهبری سیاسی جهت انجام این کار دارای دید، توانائی، منابع و ستراتیژی باشد.

دربارۀ نویسنده:

جیمز پتراس استاد بازنشسته (بارتل) جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون – نیویورک است، که کتب و مقالات زیادی در بارۀ جنبش های چپ و مترقی جهان، از جمله مبارزات خلق های خاورمیانه و امریکای لاتین نوشته است.

برگردانده شده از:

Washington and Brussels: Running in Reverse, By James Petras

<http://petras.lahaine.org/?p=2151>

<http://petras.lahaine.org/b2-img/PetrasWashingtonBrussels.pdf>